

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۲۲

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۳۳۸-۳۱۷

بررسی تطبیقی مبانی و روش‌های حدیث پژوهی جیمز رابسون و خوتیر ینبل

فاطمه دسترنج*

◀ چکیده

حجم بسیار آثار حدیث پژوهی مستشرقان و تأثیرگذاری آن در عرصه جهانی، ضرورت بررسی و تحلیل آرای آنان را می‌طلبد. بررسی پژوهش‌های حدیثی «جیمز رابسون» و «خوتیر ینبل»، با فاصله زمانی حدود نیم قرن، با روش تحلیلی و توصیفی، حاکی از توسعه مطالعات حدیثی و تنوع در بهره‌گیری از روش‌های تاریخ‌گذاری روایات است. عدم اعتبار و اصالت احادیث، نگرش انتقادی به آثار رجالی و تلقی ناکارآمدی آن در نقد حدیث، رشد وارونه اسناد، نگرش به احادیث به مثابه گفتمان در حال تکوین، مبانی مشترک آنان و تقدم سند بر متن و مبنا قرار دادن برهان سکوت در ارزیابی احادیث، مهم‌ترین مبانی مختص ینبل است. پژوهش‌های رابسون به شیوه توصیفی و به گونه گزارش‌های شبهه‌برانگیز است، حال آنکه ینبل از روش علی و با رویکرد نقد و تحلیل بهره گرفته و شیوه پژوهش‌های او «تحلیل درون‌متنی» است و واژه‌پردازی و بومی‌سازی اصطلاحات حدیثی از دیگر اختصاصات اوست.

◀ **کلیدواژه‌ها:** حدیث پژوهی، جیمز رابسون، خوتیر ینبل، مستشرقان.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک / f-dastranj@araku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۹

۱. مقدمه

حدیث، مبین وحی الهی و خاستگاه بسیاری از علوم اسلامی است. به دلیل نقش عظیم آن در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، مستشرقان، حدیث و اعتبار آن را کانون توجه خود قرار داده‌اند. از جمله افراد شاخص در حوزه حدیث پژوهی، خاورشناس انگلیسی جیمز رابسون (Jamse Robson) (۱۸۹۰-۱۹۸۱) نویسنده مدخل حدیث در *دایرةالمعارف اسلام* است. رابسون، استاد زبان عبری در دانشگاه گلاسکو بوده است. وی آثار فراوانی در قالب تصحیح، چاپ و تألیف در حوزه حدیث دارد. از دیگر افراد صاحب نظر در حوزه حدیث پژوهی، خاورشناس معاصر هلندی «خوتیر ینبل» (Gautier H.A Juynboll) (۱۹۳۵-۲۰۱۰) است. وی که نگارش مدخل حدیث در *دایرةالمعارف قرآن* را به عهده داشته، صاحب تألیفات بسیاری در رابطه با اعتبار و سند حدیث است. از این رو بررسی رویکردهای حدیث پژوهی این دو خاورشناس، با عنایت به اینکه جلوه‌ای از پژوهش‌های آنان در حوزه حدیث با فاصله زمانی حدود نیم قرن در دو متن مهم و مرجع اسلام پژوهی رخ نموده، می‌تواند مبین خوبی در جهت شناخت تطورات و تحولات حدیث پژوهی مستشرقان بوده و علاوه بر آشنایی با محتوای تحقیقات آنان، ترسیم روشنی از الگوی پژوهشی آنان را ارائه می‌کند. از این رو، به دلیل سرعت دستیابی به اطلاعات در عصر حاضر و انعکاس و تأثیرگذاری جهانی آرای مستشرقان، شناخت دقیق مبانی و نیز روش‌های حدیث پژوهشی آنان به منظور نقد آرا و دفع شبهات وارده از سوی آنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. لذا نقد و ارزیابی پژوهش‌های مستشرقان، حوزه وسیعی را شامل شده و کتب و مقالات متعددی در این حوزه نگاشته شده است؛ مقالاتی چون «تحلیل و بررسی تدوین حدیث از نگاه جی. رابسون» (اسکندرلو و مؤدب، ۱۳۸۹)، «نقد حدیث از دیدگاه رابسون» (رستم‌نژاد و اسکندرلو، ۱۳۹۳)، «مروری بر نخستین دایرةالمعارف در سنت حدیث پژوهی غربی» (آقایی، ۱۳۸۸)، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد» (همو، ۱۳۸۵) و «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات» (همو، ۱۳۸۹)، آثاری مرتبط با موضوع مورد بحث است اما جهت‌گیری، اهداف و نتایج پژوهش حاضر متفاوت از آن‌ها و درصدد بازشناسی و تحلیل و ارزیابی مبانی و روش‌های حدیث پژوهی این دو مستشرق است.

از این رو، این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین مبانی حدیث‌پژوهی جیمز رابسون و خوتیر ینبل چیست؟ و روش غالب و الگوی حدیث‌پژوهی آنان چگونه است؟ و تفاوت رویکردهای آنان، چگونه قابل تحلیل است و چه نتایجی از آن حاصل می‌شود؟

۲. مهم‌ترین مبانی حدیث‌پژوهی جیمز رابسون و خوتیر ینبل

مبانی، جمع مبنا در لغت به معنی بنیان و اساس است (ابن فارس، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۱) و در اصطلاح، مجموعه پیش‌فرض‌های اعتقادی، کلامی، زبان‌شناختی، تاریخی و علمی محقق درباره فهم متن، ماتن و دیگر عناصر دخیل در فرایند فهم است. شناخت مبانی پژوهش به سبب هویت‌شناسی و به لحاظ طبقه‌بندی، از مسائل مهم به شمار می‌آید؛ زیرا غالباً اختلاف نظر محققان، به دلیل اختلاف در مبانی است.

با نگاه فرایندی و نوع شناختی، مبانی دو قسم کلی مبانی نظری و کاربردی دارد. اگر یک مبنا صرفاً در مقام نظر و تصور ذهنی باشد، مبنای نظری است، اما مبانی کاربردی یا عملی در مقام عمل و هنگام تحقیق کارایی دارد. (راد، ۱۳۹۰، ص ۸۷)

از آنجا که مبانی نظری و اهداف مطالعات مستشرقان متفاوت از مطالعات مسلمانان است، بررسی مبانی آنان در مطالعات حدیثی مسلمانان ضرورتی گریزناپذیر است.

۱-۲. مبانی مشترک

جیمز رابسون و خوتیر ینبل، علاوه بر مبانی خاص خود در مطالعات حدیثی، دارای مبانی مشترکی نیز هستند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۲. عدم اعتبار و اصالت احادیث

اهمیت و ضرورت بهره‌مندی از آموزه‌های حدیث، به عنوان یکی از مبانی فکری، نزد مسلمان در تمامی دانش‌های اسلامی، امری پذیرفته است و از آنجا که اسلامی تلقی شدن یک دانش یا نظریه، در فرهنگ اسلامی، وابستگی شدیدی به تعلق و حضور حدیث، افزون بر قرآن، در بنیادهای نظری آن دارد (حمزه، ۲۰۰۵م، ص ۲۵) عالمان مسلمان، همواره حدیث‌پژوهی را در قالب جریان پویایی، مورد توجه و اهتمام نظری و عملی خود قرار داده‌اند. (مهریزی، ۱۳۷۹، ص ۱۷) این تلاش‌ها دلیلی استوار و گویا بر پیش‌فرض اعتبار و حجیت حدیث نزد عالمان مسلمان است. (عکیوی، ۲۰۰۸م،

ص ۳۹۹؛ راد، ۱۳۹۰، ص ۳۸)

بنابراین، اعتبار روایات از جمله مباحث بنیادینی است که عموم مسلمانان به رغم مذاهب گوناگونشان، گرچه در گستره آن اختلاف دارند، اصل آن را با ادله گوناگون می پذیرند. (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۲؛ دارمی، ۱۳۴۹ق، ج ۱، ص ۱۲۵) تعیین اعتبار روایات و پذیرش اصالت تاریخی آنها، زیربنای همه مباحثی تلقی می شود که به نوعی بر حدیث مبتنی است و موضوعات متنوعی را از سیره، فقه، تاریخ و عقاید در بر می گیرد.

البته تردید درباره اعتبار روایات و اصالت تاریخی آنها از قرن نوزدهم با طرح مباحثی از سوی گلدزیهر وارد مرحله تازه ای شد و توسط خاورشناسانی نظیر «شاخ»، «کرون»، «رابسون»، «کوک»، «ینبل»، «کالدر» و «ونزبرو» توسعه یافت.

در این راستا رابسون مدعی می شود پیش از آنکه کتب معتبر و رسمی حدیث مدون شوند، احادیث رشد فراوانی یافتند درحالی که بیشتر آنها جعلی بودند. (Rabson, 1986, vol. 3, p. 24) رابسون با این ادعا درصدد القای آن است که حدیث پس از گذشت سالیان دراز تدوین شده است. او در بیان جعل حدیث از یحیی بن سعید قطان نقل می کند: «ما رأیت الصالحین فی شیء أكذب منهم فی الحدیث؛ من افراد صالح را در چیزی دروغگوتر از حدیث نیافتم.» (معارف، بی تا: ج ۱، ص ۱۳) هرچند از قراین استفاده می شود که کلام یحیی بن سعید تنها مربوط به روایات باب «ترغیب و ترهیب» است (ابن حجر، بی تا، ج ۱، ص ۱۷؛ خطیب بغدادی، ۱۳۹۴ق، ج ۹، ص ۱) اما رابسون از این بیان، جعل حدیث توسط صالحان را نتیجه گرفته است.

به باور ینبل، احادیث رسمی منقول از پیامبر ﷺ در حقیقت بازتابی از نظریات نسل های متأخر اسلامی است و غالب مطالب موجود در جوامع حدیثی، محصول تطورات بومی، تاریخی و اجتماعی اسلام در دو قرن نخست و در زمان امویان و قرن نخست خلافت عباسیان بوده است. (Juynboll, 2007, 27) در حقیقت ینبل در این مقوله با «شاخ» هم داستان بوده و معتقد است که در قرن نخست هجری، هیچ حدیث فقهی وجود نداشته و این احادیث برآمده از آرای فقهی تابعین بود و هیچ گونه ارتباط مستقیمی با پیامبر ندارند. (آقایی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱) اما از سوی دیگر، ینبل

برخلاف ساخت، احادیث را به مثابه داده‌هایی تاریخی می‌نگرد و به اعتقاد وی، اغلب این روایات جعلی است لذا او مباحث خود را صرفاً بر شناسایی پدیدآورندگان احتمالی آن‌ها استوار ساخته است.

۲-۱-۲. نگرش انتقادی به آثار رجالی و تلقی ناکارآمدی آن در نقد حدیث

علم رجال دربارهٔ احوال راویان از نظر توثیق و عدم توثیق بحث کرده (معارف، ۱۳۸۲، ص ۴۵) و خصوصیاتمانند مدح و ذمّ و مسائل دیگری که در قبول حدیث از راوی یا عدم قبول آن تأثیر دارد در آن بیان می‌شود. به واسطهٔ علم رجال می‌توان حجم قابل توجهی از آگاهی‌ها را دربارهٔ محدثان مختلف و شناخت فضای فکری یک دورهٔ تاریخی به دست آورد.

گرچه رابسون، علم رجال و نیز میزان وثاقت و اعتبار راویان را از لوازم نقد حدیث برشمرده است، علم رجال را به دلیل تأخیر در تدوین کتب رجالی تا قرن سوم و تعارض و ناسازگاری مطالب رجال‌شناسان در توثیق و عدم توثیق افراد را قابل تردید و تشکیک دانسته است. (Rabson, 1986, vol. 3, p. 24)

ینبل نیز فرهنگ کهن اسلامی را «فرهنگی سنت‌گرا» (Traditionist culture) تلقی کرده که در آن «مرجعیت» (authority) ارزش محسوب می‌شود. در چنین فرهنگی، صحت عمل و گفتار در صورتی است که افراد رأی و کلام خود را به مرجعی بالاتر نسبت دهند. به گمان او، فرایند رشد وارونهٔ سندها، متناسب با ویژگی‌ها و ارزش‌های نظام فرهنگی مسلمانان است و با همین پیش‌فرض تبیین می‌شود. ینبل معتقد است در غالب موارد، اطلاعاتی که در کتب حدیثی و رجالی دربارهٔ یک راوی مشاهده می‌شود، به خودی خود نمی‌تواند به تحلیلی علمی از دورهٔ زندگی آن راوی و حیات فرهنگی و جایگاه اجتماعی‌اش مدد رساند. بنابراین لازم است اطلاعات مندرج در این قبیل آثار، با کاربرد روش‌هایی تحلیلی یا تطبیقی، پردازش شده و به اطلاعاتی قابل استفاده تبدیل شوند. ینبل، محدثان مسلمان را به سهل‌انگاری در تحلیل سندی روایات متهم کرده و معتقد است آنان از داده‌های رجالی به شیوه‌ای سودمند بهره‌نگرفته‌اند. (Juynboll, 1989, 366)

در واقع ینبل سلسه اسناد و کثرت نقل را نه دلیلی بر اعتبار بلکه دلیلی بر تاریخی

بودن احادیث می‌داند. بنابراین طبق دیدگاه ینبل اگرچه نقد سنتی حدیث یکی از علوم تکامل یافته در اسلام است و اسنادهای موجود در جوامع رسمی حدیث، ابزاری تاریخی موثقی برای سندیت بخشی بودند اما نمی‌توانند چندان کارآمد باشند.

۲-۱-۳. تطور تدریجی در مفهوم صحت احادیث

بررسی دقیق جوامع حدیثی، حاکی از آن است که در برخی موارد، روند رشد سندها فرایندی معکوس بوده و به جای افزودن نام راویان جدید به ابتدای سند، نام راویانی کهن تر به انتهای سند افزوده شده است. به تعبیر دیگر، روایات موقوف و یا مقطوع در گذر زمان به روایات «مرسل»، «مرفوع» و سرانجام «مسند» تبدیل شده‌اند. به بیان دیگر، سند روایاتی که در بردارنده اقوال و آرای صحابه، تابعین و حتی اشخاصی از دوره‌های بعد از تابعین بوده‌اند، به احادیث نبوی تبدیل شده‌اند. (Schacht, 1950, p. 5)

ینبل رشد وارونه سندها (Backwards growth of isnads) را «تطور تدریجی در مفهوم صحت» دانسته و بر این اعتقاد است که با پیدایش نظام اسناد در ربع آخر سده نخست هجری، راویان موظف شدند هنگام نقل روایت، مرجع خود را ذکر کنند. در سندهای اولیه تنها به ذکر نام تابعین یا صحابه یا پیامبر بسنده می‌شد و بدین ترتیب روایات موقوف یا مرسل پدید آمدند. اما به مرور زمان، اتصال سند شرط پذیرش روایات شد. در همین دوره، راویانی به «رقاعان» شهرت یافتند که با افزودن نام صحابی و پیامبر ﷺ به احادیث مرسل و روایات موقوف، آن‌ها را به احادیث مرفوع تبدیل می‌کردند. از این رو، سندها به مرور زمان کامل شده و از ملاک صحت برخوردار شده‌اند. بدین ترتیب، هرچه سند حدیثی به مرجعی کهن تر بازگردد، احتمال جعلی بودن آن بیشتر است؛ زیرا محصول فرایند «رشد وارونه سندها» است. (Juynboll, 2003, vol. 8, p. 384)

رابسون نیز در مدخل حدیث *دایرة المعارف اسلام* به اصطلاح «زیادات الثقات» پرداخته و آن را ناظر به اضافات راویان در سلسله اسناد می‌داند، هرچند تعبیر رشد وارونه را برای آن استعمال نکرده است، او بیان می‌کند در اواخر قرن دوم داشتن یک زنجیره کامل سند که به منبع اصلی روایات برمی‌گردد، ضروری بود لذا در این راستا افراد اقدام به افزودن نام راویان در جهت تکمیل سلسله اسناد کردند. بنابراین، با هدف

اعتباربخشی به «خبر واحد» به موازات رشد وارونه سندها، «مراجع و راویان فزون‌تری» برای آن روایات جعل شده است. (Robson, 1986, vol. 3, p. 26)

رابسون به‌رغم اینکه از نظر شیوه و روش بحث، واقعیت را بیشتر دنبال می‌کند، اما نتایجی که می‌گیرد متفاوت از نتایج شناخت و ینبل نیست.

۴-۱-۲. نگرش به احادیث به مثابه گفتمان در حال تکوین (Ongoing discourse)

مستشرقان عموماً بر این باورند که تحولات جامعه اسلامی در فرایند فهم و نقل روایات، تأثیرگذار بوده است. آنان معتقدند قرآن به‌تنهایی به‌عنوان منبع هدایت برای جامعه در حال توسعه اسلامی کافی نبوده و مسلمانان به‌منظور رفع این خلأ، تمام اطلاعات ممکن درباره پیامبر را گردآوری کرده و هرچا لازم دانسته‌اند سنتی را بساخته و به ایشان نسبت داده‌اند، بدین ترتیب با گذر زمان، میراث حدیثی با گردآوری و جعل توسعه یافت و به‌صورت تألیفات گسترده درآمد.

در پرتو این تصویر از نظام نقل حدیث که به‌رغم کتابت پراکنده، بنیادی شفاهی داشت، عالمان غربی می‌پنداشتند که عمده احادیث رایج در قرن سوم، حاصل جعل و ابداع ناقلان بوده و تمایلات و غرض‌ورزی‌های سیاسی و مذهبی نیز بدان سمت‌وسو بخشیده است. در این دوره، تکاپوی جمع احادیث و طرق روایات رواج یافت. سفرهای حدیث‌پژوهی یا رحلات حدیثی نمایانگر آن است که احادیث بخشی از یک «گفتمان در حال تکوین» هستند که در طول نخستین سده‌های تاریخ اسلام بسط و تکامل یافته است. به‌طور کلی رهیافت محققان غربی در بررسی سیر تدوین حدیث، در زمانی (Diachronic) است و آن را فرایندی تاریخی قلمداد می‌کنند. (پاکتچی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۷۰۹-۷۱۱)

رابسون در راستای باور اندیشمندان غربی، حدیث را بازتاب گسترش اسلام و تأثیرپذیری از فرهنگ‌های وارداتی و اختلافات فرقه‌ای دانسته و بیان می‌کند پس از رحلت پیامبر ﷺ، برخی، احادیثی را بساختند و آن را به او منسوب کردند تا پاسخ‌گوی مسائل جدید باشد. این امر سبب جعل گسترده حدیث شد و به تدریج حدیث به‌عنوان دومین منبع در کنار قرآن به‌شمار آمد. (Robson, 1986, vol. 3, p.)

رابسون معتقد است در ابتدا هیچ عقیده‌ای مبنی بر اینکه روایات به لحاظ اعتبار در درجه دوم بعد از قرآن است وجود نداشت و به تدریج مسائل جدید رخ داد که باعث شد مردم به یک منبع کمکی، احساس نیاز کنند. وی همچنین می‌گوید تقاضا برای روایات افزایش یافت به‌ناچار برای پاسخ‌گویی به آن، عرضه نیز افزایش یافت. (Ibid, p. 25)

سخنان رابسون در واقع مؤید و مؤکد دلایل دیگر مستشرقان است که حدیث را گفتمانی تکوین یافته در قرون نخست اسلام تلقی کرده‌اند.

ینبل نیز در مقاله «تاریخ‌گذاری تقریبی خاستگاه‌های حدیث اسلامی» بیان می‌کند نخستین بار قصه‌پردازان با انگیزه‌های دینی به ترویج حکایت‌های آموزنده و اخلاقی در باب سیره و فضایل پیامبر ﷺ و نخستین مسلمانان پرداختند. او معتقد بود که در قرن نخست هجری، هیچ حدیث فقهی وجود نداشته و این‌گونه احادیث تنها برآمده از آرای فقهی تابعین در قرن دوم بود که ذهن و ضمیری فقهی داشتند و هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی با پیامبر ندارند. (Juynboll, 1967, p. 353)

بنابراین، حدیث به تدریج در میان مسلمانان تکامل یافت و به همین دلیل، بازتاب مسائل تفسیری مختلف اعم از تفسیر کلامی، اخلاقی، فقهی، نحوی و لغوی در آن دیده می‌شود. (Idem, 2001, vol. 2, p. 137)

بنابراین، شباهت بسیاری در باور و اندیشه مستشرقان وجود دارد. آنان در پی شناخت تاریخ اسلام به‌مثابه پدیده‌ای فرهنگی بوده‌اند و یکی از نقاط عطف این پدیده فرهنگی پیدایش مجموعه‌ای از داده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که به‌عنوان «حدیث» شناخته می‌شوند.

۲-۲. بررسی مبانی مختصّ خوتیر ینبل

گرچه بررسی رویکردهای حدیث‌پژوهی رابسون و ینبل حاکی از مشترکاتی در مبانی آنان است، اما با عنایت به آثار ینبل و اهتمام وی به بررسی برخی موضوعات، به نظر می‌رسد وی مبانی دیگری نیز داشته است.

۲-۱. تقدم سند بر متن حدیث در تحلیل احادیث

ارائه اسناد در آغاز متون، از ویژگی‌های نگاشته‌های اسلامی و یکی از دو رکن حدیث

نزد محدثان به شمار می‌آید که در اعتبار روایت از اهمیت زیادی برخوردار است. اسناد، روشی بوده که مسلمانان بتوانند افزون بر نشان دادن اعتبار مرویات خویش، سلسله نقل خود را تا بزرگان دین برسانند. (ابن حبان، ۱۹۷۶م، ج ۱، ص ۲۵؛ ابن صلاح، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۵-۱۵۶)

چگونگی شکل‌گیری نظام اسناد و کارکرد و ارزش آن در تاریخ‌گذاری متن روایات از موضوعات مهم حدیث‌پژوهی نزد مستشرقان است و ینبل به‌طور خاص، در آثار خود به بررسی پیشینه تاریخی نقل سند و تاریخ‌گذاری روایات بر اساس اسناد پرداخته و در تاریخ‌گذاری گونه‌های مختلف روایات، اعم از تاریخی، فقهی و تفسیری از این روش بهره گرفته است. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱-۱۷۴؛ آقایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵-۱۶۸) به باور ینبل، احادیث معمولاً نشانه‌هایی از تاریخ خود را در ضمن اسانید ارائه می‌کنند و در سندها شواهدی وجود دارد که تاریخ قطعی بسیاری از احادیث و نظریه‌های عرضه‌شده در آن‌ها را مشخص می‌کند. بنابراین، سند پارامتری برای تحلیل احادیث است. (Juynboll, 1983, p. 207) ینبل معتقد است گرچه بسیاری از اسانید، جعلی است، حاوی اطلاعات ارزشمندی است که غالباً حدیث‌پژوهان به آن‌ها بی‌توجه بوده‌اند. از نگاه وی هر تلاشی برای بازسازی حوادث سده‌های نخست اسلامی بدون استخراج اطلاعات تاریخی موجود در اسانید صورت پذیرد کاری ناتمام بوده و به آشفستگی موضوع می‌انجامد. (Idem, 2007, p. 207)

لذا در اندیشه او سند و نظام اسناد، مسیرهای واقعی نقل روایت را منعکس می‌سازد و جایگاهی مهم و نقشی کاربردی دارد. به نظر ینبل، زمان و مکان شکل‌گیری حدیث را با بررسی سلسله‌سند آن می‌توان تعیین کرد.

۲-۲-۲. مبنا قرار دادن «برهان سکوت» (argument from silence) در ارزیابی احادیث

برهان سکوت به مفهوم استنتاج مبتنی بر نبود شاهد و دلیل مخالف است. مطابق این برهان، عدم ارجاع به منبعی خاص در مکتوبات تاریخی، به مفهوم عدم وجود خارجی آن منبع و در نتیجه بی‌اطلاعی نویسنده از آن است. (Ansari, 1984, p. 51-61) به عقیده ینبل، عدم وجود یک روایت در جوامع اولیه حدیثی، دلیلی بر عدم وجود آن

روایت در زمان تألیف آن جامع است. او در آثار خود بر حجیت برهان سکوت اذعان دارد و بیان می‌کند کتاب‌های فقهی کهن، نظیر موطأ مالک، بیشتر حاوی اقوال صحابه است، در حالی که جوامع حدیثی که پس از آن تدوین شده‌اند، حاوی احادیث نبوی بوده و در این جوامع، عمدتاً احادیثی به پیامبر ﷺ منسوب شده‌اند که در جوامع حدیثی کهن‌تر به صحابه یا تابعین نسبت داده شده‌اند. او از این شواهد نتیجه می‌گیرد که این احادیث پس از تدوین آثاری چون موطأ جعل شده‌اند و سکوت جوامع متقدم حاکی از جعلی بودن این اسانید و شیرجه‌ای بودن آنهاست. (Juynboll, 1989, vol. 5, p. 352-353; Idem, 1994, p. 154-155)

ینبل از وجود طریق منفرد نیز نتیجه می‌گیرد که طریق دیگری وجود نداشته، زیرا اگر چنین طریقی وجود داشت، حتماً در منابع کهن یافت می‌شد. استدلال ینبل برای اثبات جعلی بودن «طرق شیرجه‌ای» که تنها در جوامع حدیثی متأخر ظاهر شده‌اند نیز بر مبنای برهان سکوت صورت پذیرفته است. (Idem, 1983, p. 115) تفسیری که ینبل از «حلقه مشترک حقیقی» ارائه می‌دهد و طرق منفرد پس از حلقه مشترک و نیز شبکه‌های عنکبوتی را فاقد ارزش تاریخی تلقی می‌کند بر برهان سکوت مبتنی است.

۳. بررسی روش‌های حدیث‌پژوهی جیمز رابسون و خوتیر ینبل

روش در لغت به معنای راه و طریق است و منظور از آن شیوه‌های فهم مدلول کلام است. روش برخاسته از مبانی است و ارتباط فراوان با منابع و مستندات و ابزارهایی دارد که محقق در فرایند پژوهش از آنها کمک می‌گیرد. (مؤدب، ۱۳۸۸، ص ۳۷) در حقیقت روش، چگونگی گردآوری اطلاعات و پردازش آنها به منظور انجام کاری نو، روی متن یا موضوعی کار نشده یا حل مسئله‌ای حل نشده است.

مستشرقان دامنه وسیعی از روش‌ها را در مطالعات حدیثی به کار گرفته‌اند و از آنجا که مطالعات حدیثی آنان غالباً بر اصول و ضوابطی خاص، مبتنی است روش‌شناسی آنان در مطالعات آنان، علاوه بر آنکه زمینه را برای نقد و تحلیل آثارشان فراهم می‌کند افق‌های جدیدی را در عرصه حدیث‌پژوهی ایجاد و موجب تنوع در رویکردهای حدیث‌پژوهی می‌شود. در ادامه، روش‌های حدیث‌پژوهی رابسون و ینبل بیان می‌شود.

۱-۳. روش‌های حدیث‌پژوهی جیمز رابسون

۱-۱-۳. استفاده از منابع کهن حدیث اسلامی و رویکرد توصیفی در مطالعات حدیثی
روش حدیث‌پژوهی رابسون در دو سطح گردآوری اطلاعات و نیز در مقام تبیین و نتیجه‌گیری داده‌ها قابل بررسی است. در بحث گردآوری اطلاعات، جیمز رابسون علاوه بر آنکه در پژوهش‌های خود غالباً به منابع اسلامی توجه داشته عمده توجه خود را معطوف به منابع اهل سنت کرده و کمتر به آثار مستشرقان نظر داشته است. با وجود این او از تألیفات و نظرات مستشرقانی چون «گلذیهر»، «اسپرنگر»، «هورویتز»، «وینسینگ»، «جی اسکات»، «فوک» نیز بهره برده است.

از آثار رابسون، علاقه و اهتمام او به تحلیل و بررسی متون کهن اسلامی احساس می‌شود؛ آثاری چون تحقیق و چاپ *الموصل إلى علم الحدیث* نیشابوری، مقاله‌ای با عنوان «الاسناد فی الحدیث عند المسلمین»؛ «الغزالی و السنه»، مقاله‌ای درباره صحیح مسلم، سنن ابن داود و جامع الترمذی، حاکی از اهتمام او به این امر است.

بررسی پژوهش‌های حدیثی جیمز رابسون، حاکی از آن است که روش به کار برده‌شده در آن‌ها به شیوه توصیف موردی و توصیفی تحلیلی است؛ وی موضوعی را با تکیه بر اطلاعات جمع‌آوری‌شده با دقت و حفظ عینیت توصیف می‌نماید. رابسون در مدخل حدیث سعی دارد منابع مهم حدیثی را مورد بررسی روشی و ساختاری قرار داده با یکدیگر مقایسه کرده و تأثیر و تأثرات آن‌ها را از یکدیگر نشان دهد. وی در کنار مطالبی که برگرفته از کتب حدیثی مسلمان است، فصلی را هم بر نقد و بررسی آثار مستشرقان گشوده‌اند؛ به این معنا که آثار شرق‌شناسان توسط او مورد بررسی و گاهی انتقاد هم قرار گرفته است.

۲-۳. بررسی روش‌های حدیث‌پژوهی خوتیر ینبل

۱-۲-۳. ابداع و بومی‌سازی (Localization) اصطلاحات حدیثی

بومی‌سازی و منطبق کردن اصطلاحات حدیثی با بوم، زبان، فرهنگ، تمدن و آیین جامعه غرب و فضای پژوهشی مستشرقان، نتیجه تفکر خلاق ینبل است که به دلیل انطباق آن با نیازهای پژوهشی، جهت‌دهنده و گشاینده مسیرهای جدیدی برای محققان است.

ینبل در مقدمه کتاب *دایرةالمعارف احادیث رسمی* به موضوعاتی چون ناکارآمدی اصطلاحات حدیثی و تقسیم احادیث به صحیح، حسن و ضعیف و اصطلاحاتی چون متواتر و مشهور در تحلیل احادیث، و ناکامی ناقدان مسلمان در بررسی روایان احادیث پرداخته است (Juynboll, 2007, p. 6-28) وی دامنه وسیعی از موضوعات حدیثی را بررسی کرده و بر اساس مبانی خود، روشی پیچیده و منحصر به فرد را در این راستای معرفی ابعاد گوناگون جعل اسناد و متن احادیث طراحی کرده است. از جمله اصطلاحات کاربردی و ابداعی او موارد زیر است:

۳-۲-۱. حلقه مشترک (Common link)

حلقه مشترک از اصطلاحات کلیدی در روند حدیث پژوهی ینبل است، وی حلقه مشترک را روایی می‌داند که حدیثی را از مرجعی شنیده و برای تعدادی از شاگردان خود نقل می‌کند و آن شاگردان نیز به نوبه خود، حدیث را برای دو یا چند شاگرد خود روایت می‌کند. به عبارت دیگر، حلقه مشترک، دیرترین راوی شبکه یا نخستین جا از شبکه اسناد است که همچون چتر باز شده است. (Idem, 1983, p. 206-217; Idem, 1994, p. 107)

ینبل حلق / مشترک را ابزاری مفید می‌داند که با استفاده از آن می‌توان به تاریخ تقریبی و خاستگاه احتمالی احادیث دست یافت بنا به نظر ینبل، حلقه مشترک، فردی است که دو یا چند راوی از او روایت را نقل می‌کنند و سند حدیث پس از او منشعب می‌شود.

۳-۲-۲. حلقه مشترک فرعی (Partial common link)

هر حدیثی می‌تواند حلقه یا حلقه‌های مشترک فرعی داشته باشد که حدیث را از حلقه مشترک اصلی گرفته و به روایان بعدی منتقل می‌کند. بنابراین، روایانی که از حلقه مشترک یا هر مجموعه دیگری از روایان، حدیث شنیده و آن را برای دو نفر یا بیشتر از شاگردان خود نقل می‌کنند، «حلقه مشترک فرعی» نامیده می‌شوند. (Idem, 1989, p. 352)

بنابراین، حلقه مشترک فرعی راوی‌ای است که در طبقات پس از حلقه مشترک قرار گرفته و حدیث را برای بیش از دو شاگرد نقل کرده است.

۳-۱-۲-۳. حلقهٔ مشترک ظاهری (Seeming common link)

طبق تعریف ینبل، اگر تعداد حلقه‌های مشترک فرعی یک حلقهٔ مشترک کم باشد آن حلقهٔ مشترک، حلقهٔ مشترک ظاهری است. حلقه‌های مشترک ظاهری را در شبکه‌هایی وجود دارد که دو یا چند شبکهٔ تک‌زنجیره‌ای با هم تلاقی کرده و شبیه یک حلقهٔ مشترک به نظر می‌رسد، اما در واقع به سبب نبود حلقه‌های مشترک فرعی، حلقهٔ مشترک حقیقی نیستند. (Ibid, p. 354; Idem, 1993, p. 211 211)

۳-۱-۲-۴. شبکهٔ عنکبوتی (spider network)

شبکهٔ عنکبوتی نموداری متشکل از حلقهٔ مشترک و چندین طریق منفرد نقل است که حلقهٔ مشترک را به صاحبان جوامع حدیثی متصل می‌کند. همهٔ این طرق یا اکثر آن‌ها اسانیدی منفرد و فاقد اعتبار تاریخی هستند. (Idem, 2001, p. 306)

بنابراین اگر در حدیث معینی، چند شبکهٔ تک‌زنجیره‌ای با یک حلقهٔ مشترک ظاهری تلاقی کنند، ساختار اسناد آن حدیث شبیه به تارهای عنکبوت بوده و لذا «شبکه عنکبوتی» نامیده می‌شود. این شبکه‌ها داده‌هایی ناظر برای تاریخ‌گذاری حدیث ارائه می‌دهند.

۳-۱-۲-۵. گره حدیثی (Hadith Kont)

ینبل نقاطی را که در شبکهٔ اسناد، محور انشعاب است، «گره» نام‌گذاری کرده که بر مبنای شواهد موجود در اسانید روایت، احتمال تاریخی بودن آن‌ها از دیگر نقاط شبکه بیشتر است. (Ibid, p. 364) طبق دیدگاه ینبل، این گره‌ها، تضمینی برای مقبولیت تاریخی آن مسیر انتقال فراهم می‌آورند.

۳-۱-۲-۶. طریق شیرجه‌ای (Diving way)

در مواردی که شخص راوی بخواهد روایتی را نقل کند درحالی‌که تمایلی به ذکر راوی هم‌طبقهٔ خود که روایت را از او شنیده ندارد، روایت را با شیخی که در اسناد راوی معاصرش نباشد، جعل می‌کند و حلقهٔ مشترک را دور می‌زند و خود را به مرجعی کهن‌تر از حلقهٔ مشترک می‌رساند تا حدیث را معتبر جلوه دهد. برای چنین حالتی ینبل اصطلاح «دور زدن حلقهٔ مشترک» یا «شیرجه زدن به زیر حلقهٔ مشترک» را وضع می‌کند. (Idem, 1989, p. 375-377)

۳-۲-۱. شبکه‌ اسناد (Isnad network)

در جوامع حدیثی، ممکن است برای حدیثی واحد، اسناد متفاوتی وجود داشته باشد. اگر سندهای این حدیث از منابع گردآوری و کنار هم قرار داده شوند، معمولاً الگویی حاصل می‌شود که در آن، یک طریق منفرد، پیامبر ﷺ را به روای‌ای در نسل سوم یا چهارم پس از وی متصل می‌کند و سپس طرق متعدد حدیث از آن راوی منشعب می‌شوند. در محل اولین انشعاب این شبکه، حلقه مشترک قرار دارد که خود شامل حلقه‌های مشترک فرعی نیز می‌شود. این انشعابات متعدد، شبکه‌ اسناد را تشکیل می‌دهند. ینبل برای تشخیص صحت انتساب یک روایت به پیامبر ﷺ و تبیین خاستگاه و مراحل تطور آن از «شبکه اسناد» بهره می‌گیرد. (Idem, 1993, p. 12-59)

با توجه به علاقه ینبل به نمادشناسی فرهنگی، زبان‌شناسی و فقه الغه، اصطلاحاتی متناسب با شیوه پژوهشی خود به کار برده و آن‌ها را تبیین کرده است.

۳-۲-۲. استفاده از نمودار و ابزار دیداری

استفاده از تصاویر و نمودار، روشی مفید برای تحلیل روایات است؛ زیرا می‌تواند حجم عظیمی از اطلاعات را از قبیل الگوها، ارتباطات، ویژگی‌ها و صفات نشان دهد. به‌طور کلی ویژگی بارز پژوهش‌های ینبل بهره‌گیری از ابزارهای دیداری و ترسیم نمودار است. ینبل به‌جای بهره‌گیری از اصطلاحات انتزاعی متداول در علوم حدیث، برخی موضوعات حدیثی را به گونه بصری بیان می‌کند و اصطلاحاتی وضع می‌کند که ناظر به همین وجه دیداری است.

ینبل، نمودارهای شبکه‌های اسناد را روی کاغذهای ترانسپارنت ترسیم و سپس برای تحلیل بهتر روی هم قرار می‌دهد، یا آنکه در رابطه با شبکه اسناد به‌جای استفاده از اصطلاحات رایج حدیثی از واژه حسی‌تر «چتر» بهره جسته تا خواننده با شبکه اسناد ارتباطی ملموس برقرار کند. او گاهی شبکه‌های اسناد را به شاخه گل تشبیه کرده و بر اساس آن حدیث را تحلیل می‌کند. (Idem, 2001, p. 303-307) در تحلیل برخی اسناد ینبل از اصطلاح طرق شیرجه‌ای بهره برده که در این مورد نیز باز هم ینبل از یک مفهوم حسی به‌جای مفهومی انتزاعی بهره گرفته است. گویی جامع حدیث از سگوی شیرجه، شیرجه زده و از حلقه مشترک عبور کرده است. (Idem, 2007, p. 15-28)

ینبل در عمل به‌طور گسترده‌ای این اصطلاحات را روی اسانید زیادی از روایات پیاده کرده و در پژوهش‌های اخیر خود به بررسی تطبیقی این اصطلاحات با مفاهیم و مصطلحات رایج در سنت حدیثی اسلامی پرداخته است. (Idem, 1994, p. 152-159)

آنچه مطرح شد همگی از وجود تفکر خلاق حکایت می‌کند. اصطلاحات ینبل و ابزار روشی وی، پیشرفت محسوسی در روش‌شناسی نقد سندی روایات از لحاظ تاریخی به حساب می‌آید.

۳-۲-۳. تاریخ‌گذاری احادیث

خاستگاه تاریخ‌گذاری را باید در اندیشه تاریخ بنیاد غربی جست‌وجو کرد. در اواخر قرن بیستم و پیدایش جریان پست مدرنیسم در فلسفه علم، رویکردهای نوینی در مطالعات مستشرقان شکل گرفت و تاریخ‌گرایی به عرصه مطالعات حدیثی وارد شد. ینبل، احادیث را منبعی اساسی برای شناخت تاریخ و بازسازی وقایع اسلام در سده‌های نخست هجری می‌داند و به اعتبار تاریخی احادیث نظر دارد. لذا رویکرد حدیث‌پژوهی ینبل در راستای تحلیل احادیث، «نقد منبع» (Source Criticism) و «تاریخ‌گذاری اسناد و مدارک» (Dating of documents) است که هدف از آن تعیین اصالت و اعتبار مدارک تاریخی یا همان احادیث است. ینبل با شناخت انواع داده‌هایی که می‌توان از اسناد حدیث و نیز متن روایات استخراج کرد به تاریخ‌گذاری احادیث پرداخته و برای نخستین بار از روش تحلیل اسناد و تحلیل متن توأمان بهره برده است. (Idem, 1994, p. 151-194) در این روش، روایات از طریق تحلیل سلسله اسناد و نیز توجه به متون روایات و زمینه فرهنگی و در سایه درک تحول تاریخی فهمیده می‌شوند. ینبل با این روش، اطلاعات ارزشمندی از تاریخ اسلام به دست آورده، درحالی‌که مستشرقان پیش از او متون حدیثی را به‌منزله منابع تاریخی به رسمیت نمی‌شناختند.

او با وضع اصطلاح حلقه مشترک جزئی احادیث مربوط به یک موضوع را نیز تاریخ‌گذاری کرد. در این روش، ینبل صورت‌های مختلف یک حدیث را از منابع گوناگون جمع‌آوری و سپس با تجزیه و تحلیل دقیق، تمام ارتباط‌های درونی متون و اسناد روایات استخراج می‌شود. (Idem, 2001, vol. 6, p. 362) بدین ترتیب می‌توان

اطلاعاتی درباره خاستگاه و تطورات حدیث مورد بحث و عناصر اصلی متن آن به دست آورد.

۳-۲-۴. به کارگیری الگویی ضابطه مند در تحلیل و تاریخ گذاری احادیث

رویکرد پژوهشی ینبل، مشاهده، مقایسه، فرموله کردن روش و به تعبیر دیگر، تبعیت از الگویی خاص است. به لحاظ روشی، ینبل از روش علی و با رویکرد نقد و تحلیل بهره گرفته و با ترکیب این روش با روش همبستگی، یعنی روشی که پژوهشگر میزان ارتباط دو عامل یا دو مجموعه از عوامل را بررسی می کند و میزان و نوع ارتباط بین آنها را به دست می آورد، به تحقیق پرداخته و در برخورد با مؤلفه ها و بنیادهای اعتقادی مسلمانان که در ذیل مباحث فقه الحدیثی جای می گیرد به دو شیوه «تاریخ نگری» و «پدیدارشناسی» عمل کرده است. (Ibid, p. 396)

او به شیوه «تحلیل درون متنی» و به تعبیر بهتر، به گونه «فقه الحدیثی» می کوشد تا مؤلفه های اعتقادی را با توجه به ریشه ها و تحول های تاریخی بررسی کند. در این راستا او به بررسی یک حدیث یا مجموعه ای از احادیث در موضوعی خاص می پردازد؛ برای نمونه، روایات جمع قرآن، روایت اسباب نزول، قرائت قرآن و حدیث سبعة احرف و... که همگی به شیوه تحلیل درون متنی بررسی شده اند. (Idem, 1989, p. 226)

مطالعه آثار حدیثی ینبل و شناخت ابزارهای تحلیلی وی در پژوهش های حدیثی، حاکی از گرایش او به عرصه های جدید حدیث است. او عمدتاً از منابع مستشرقان بهره برده و دیدگاه های خود را بر پایه آرای مستشرقانی چون «شاخه»، «فان اس»، «کرامرز» و... بیان کرده او در کتاب «درآمدی بر شناخت فقه اسلامی بر اساس مذهب شافعی»، با استناد به سبک و روش «اسنوک هورخرونیه» در آثارش، به طرح نظریات خود پرداخته است. (عقیقی، ۱۹۶۴، ص ۷۳۳-۷۳۴)

دقت در آثار حدیثی ینبل حاکی از آن است که مقولاتی چون اصالت و اعتبار حدیث، خاستگاه و چگونگی شکل گیری و نیز تاریخ گذاری احادیث به منظور یافتن زمینه های جعل، بیش از سایر موضوعات مورد اهتمام او بوده است. این رویکرد ینبل گرچه منطبق با دیدگاه او و مبنی بر عدم اعتبار و اصالت احادیث است، روش او برای

بررسی میزان اعتبار روایات و تعیین تاریخ صدور آن‌ها می‌تواند به‌عنوان الگویی برای پژوهش‌های نوین حدیثی قرار گیرد.

۴. تبیین تطبیقی کارکردهای روشی در مطالعات حدیثی رابسون و ینبل

سبک مطالعات خاورشناسان، متفاوت با سنت جاری در جهان اسلام است، آنان بی‌اعتنا به الگوها و هندسه دانش‌های حدیثی شیعه و سنی و بر اساس علاقه‌مندی خود و مبتنی بر شاخص‌ها، مبانی و رویکردهای مطالعاتی در غرب به پژوهش پرداخته‌اند. (راد، ۱۳۹۱ش، ص ۳۴)

به‌رغم وجود برخی مبانی مشترک حدیث‌پژوهی رابسون و ینبل، به‌لحاظ روشی، آنان تنها در بهره‌گیری از منابع اهل سنت و مستندسازی مطالعات خود بر این پایه، اشتراک روشی دارند. از آنجا که الگوی حدیث‌پژوهی رابسون بیشتر شیوه توصیفی داشته و ابداع روش و بیان نظریه‌ای جدید را در بر نداشته، مطالب پیش‌گفته در خصوص مبانی و روش او بسنده می‌شود. به نظر می‌رسد فاصله زمانی بالغ بر نیم‌قرن، جهش‌های عمده‌ای در سنت حدیث‌پژوهی غرب پدید آورده که خوتیر ینبل از پیشگامان آن است. از این‌رو در ادامه به بررسی مهم‌ترین کارکردهای روشی او اشاره می‌شود.

۴-۱. بیان سیر تطور حدیث و نقل به معنا

نقل به معنا، نوعی اختلال در معنای حدیث است؛ زیرا محتوای روایت برحسب استظهارات عرفی توسط راوی نقل می‌شود. رواج شیوه‌های نوین تحلیل روایات، نظیر «نقد ادبی» مسیر شناخت تطور احادیث و نقل به معنا بر مبنای متون را ممکن می‌سازد. توجه به «کارکرد» (Function)، «سبک بیانی» (Expressive style) و واژگان مستعمل در احادیث، سنجه‌ای مناسب برای تعیین ترتیب زمانی آن‌هاست. ینبل معتقد است تحریرهای مختلف یک حدیث متعلق به «سنتی شفاهی» (Oral tradition) هستند که به محض تثبیت در اثری مکتوب، در همان مرحله از تطور متوقف مانده‌اند. بنابراین، تحریرهای مختلف نمایانگر سیر تطور حدیث خواهند بود. (Jane, 2001, vol. 9, p. 175)

به‌منظور شناخت تطور صوری حدیث، تحریرهای مختلف یک حدیث که

مضمونی واحد دارند، گردآوری و متون بر مبنای پیچیدگی مرتب شده و سپس هر متن با توجه به میزان تکامل، انسجام درونی اجزاء، سبک و نوع واژگان، تحلیل و متون از نظر مضمونی طبقه‌بندی می‌شوند و بر همین مبنای ترتیب زمانی سیر تطور حدیث حاصل می‌شود. (Juynboll, 1983, p. 115)

شواهدی چون تغییر حدیث از متنی ساده به متنی مبسوط با بن‌مایه‌ها و چارچوب ادبی، از ابهام به وضوح زیاد و از مفاهیمی بسیط به استدلال‌های کلامی پیچیده، معیارهایی است که نشان می‌دهد بازسازی انجام‌شده در طی زمان و به صورت تدریجی و تاریخی صورت پذیرفته است.

بنابراین، با جمع‌آوری همه صورت‌های مختلف یک حدیث از منابع گوناگون و مقایسه متن و سندهای آن‌ها و تجزیه و تحلیل دقیق روایات به لحاظ تفصیل یا اجمال و نیز از نظر ادبیات و سبک بیانی، پدیده نقل به معنا در روایات را نشان داده و اطلاعاتی درباره خاستگاه و تطورات حدیث مورد بحث و عناصر اصلی متن آن ارائه می‌دهد.

۲-۴. رفع برخی عیوب اسناد با روش تاریخ‌گذاری احادیث

به اعتقاد ینبل از آنجا که ساخت و تکوین سند از الگوهای خاصی پیروی می‌کند، می‌توان در بسیاری موارد به بهبود و اصلاح احادیث کمک کرده و موجب رفع نقایصی چون انقطاع و ارسال گردید. همچنین با تاریخ‌گذاری احادیث و تحلیل سندی و متنی آن‌ها تحریرهای مختلف حدیث از منابع کهن، گردآوری شده و مدار حدیث از تفرّد خارج و در نتیجه کیفیت حدیث ارتقا می‌یابد. (Schacht, 1949, p. 163-165)

بنابراین از جمله مزایای تاریخ‌گذاری روایات، شناسایی عیوب و ضعف‌هایی است که در فرایند نقل بر احادیث عارض شده است. در این روش با استخراج داده‌های تاریخی نهفته در سندها و نیز اطلاعات تاریخی موجود در منابع رجالی و با مقایسه اطلاعات موجود در سندها و متون مختلف یک حدیث، علاوه بر شناخت تاریخ پیدایش حدیث، عیوب سندی و متنی احادیث نمایان می‌شود (آقایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴)؛ زیرا با افزودن داده‌های سندی به تحلیل متن است که می‌توان حدود زمانی دقیقی برای عناصر متنی مختلف در حدیث مشخص کرد و با بررسی انگیزه‌های

راویان وجود افزوده‌ها و افتادگی‌ها در متن حدیث و مطالب تحریف‌شده یا جعلی را شناسایی کرد.

۵. نتیجه

۱. رویکرد حدیث‌پژوهی جیمز رابسون و خوتیر ینبل، بی‌اعتنا به الگوی هندسه دانش‌های حدیثی شیعه و سنی و مبتنی بر شاخص‌ها، مبانی و رویکردهای مطالعاتی غرب به‌منظور پاسخ‌گویی به مسائلی است که در حلقه‌های مطالعاتی خود با آن مواجه بوده‌اند. عدم اعتبار و اصالت احادیث، ناکارآمدی علم رجال در نقد حدیث، رشد وارونه اسناد، نگرش به احادیث به‌مثابه‌گفتمان در حال تکوین، مبانی مشترک رابسون و ینبل است و تقدم سند بر متن در تحلیل و ارزیابی احادیث و مبنا قرار دادن برهان سکوت در ارزیابی اسناد، مهم‌ترین مبانی مختص خوتیر ینبل است.

۲. ساختار و روش پژوهش‌های جیمز رابسون، مطالعات موردی و به‌شیوه توصیفی تحلیلی و بیشتر تابع روش سنتی و کلاسیک غرب و به‌گونه‌گزارش‌های شکاکانه و شبهه‌برانگیز است، حال آنکه ینبل از روش علی و با رویکرد نقد و تحلیل بهره گرفته است.

۳. دقت در آثار حدیثی ینبل حاکی از آن است که مقولاتی چون اصالت و اعتبار حدیث، خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری و نیز تاریخ‌گذاری احادیث به‌منظور یافتن زمینه‌های جعل، بیش از سایر موضوعات مورد اهتمام او بوده است به همین منظور وی مؤلفه‌های اعتقادی اسلام را با توجه به ریشه‌ها و تحولات تاریخی به‌صورت موردی یا مجموعه‌ای از احادیث در موضوعی خاص با توجه به روش تحلیل اسنادی و توجه به داده‌های متنی بررسی می‌کند.

۴. ویژگی بارز پژوهش‌های ینبل بهره‌گیری از ابزارهای دیداری و ترسیم نمودارهای اسانید است. ینبل به‌جای بهره‌گیری از اصطلاحات انتزاعی متداول در علوم حدیث، اصطلاحات جدیدی مانند حلقه مشترک فرعی، شبکه اسناد، شبکه عنکبوتی و طرق شیرجه‌ای را ابداع نموده که متناسب با شیوه پژوهشی اوست.

۵. الگوی پژوهشی ینبل منطبق با رویکرد تاریخی و تبارشناسی است. ینبل با استفاده از انواع داده‌های مندرج در سند و متن احادیث به تاریخ‌گذاری احادیث پرداخته است.

شناخت احادیث تحریف شده و نیز جعلی و سیر تطور احادیث و نیز رفع برخی عیوب اسناد با روش تاریخ‌گذاری احادیث از کارکردهای روشی اوست که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای پژوهش‌های نوین حدیثی قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقای، سیدعلی، «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش تحلیل ترکیبی اسناد-متن، امکانات و محدودیت‌ها»، صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۳-۱۴۲.
۳. —، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد: نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیر ینبل»، علوم حدیث، سال یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۱)، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۶۸-۱۴۵.
۴. —، «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات: تبیین و تحلیل»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۵-۵۲.
۵. —، «نخستین دایره‌المعارف در سنت حدیث پژوهی غربی، مروری بر دایره‌المعارف احادیث رسمی»، کتاب ماه دین، سال دوازدهم اردیبهشت ۱۳۸۸، شماره ۱۳۹، ص ۷۴-۶۸.
۶. ابن حبان، کتاب المجروحین، تحقیق محمود ابراهیم زاید، مکه مکرمه: دارالباز، ۱۹۷۶م.
۷. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۲، بیروت: دارالمعرفة.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
۹. ابن صلاح، عثمان، علوم الحدیث مقدمة، به کوشش صلاح عویضه، بیروت: بی‌نا، ۱۴۱۶ق.
۱۰. ابن فارس، محمد بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۱۱. اسکندری، محمدجواد و مؤدب، سید رضا، «تحلیل و بررسی تدوین حدیث از نگاه جی. رابسون در دایره‌المعارف اسلام»، دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۱۲.
۱۲. پاکتیجی، احمد، مدخل حدیث دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۳. حمزه، محمد، الحدیث النبوی و منزلته فی الفكر الاسلامی المعاصر، بیروت: المركز الثقافی العربی، ۲۰۰۵م.
۱۴. خطیب بغدادی، تمیید العلم، تحقیق یوسف العیش، بیروت: دار احیاء السنة النبویه، ۱۳۹۴ق.
۱۵. دارمی، عبدالله بن بهرام، سنن الدارمی، دمشق: مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ق.

۱۶. راد، علی، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
۱۷. —، «گونه پژوهی پژوهش‌های فقه‌الحدیثی خاورشناسان»، حدیث حوزه، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۹۱، ص ۴۹-۳۱.
۱۸. رستم‌نژاد، مهدی و محمدجواد اسکندرلو، «نقد حدیث رابسون در دایرةالمعارف اسلام»، دو فصلنامه علمی ترویجی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال نهم، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۸۴-۶۷.
۱۹. عقیقی، نجیب، المستشرقون، مصر: دارالمعارف، ۱۹۶۴م.
۲۰. عکیوی، عبدالکریم، نظریة الاعتبار فی العلوم الاسلامیه، بی‌جا: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۲۰۰۸م.
۲۱. کریمی‌نیا، مرتضی، «حدیث پژوهی در غرب، مقدمه‌ای درباره‌ی خاستگاه و نقل حدیث»، علوم حدیث، شماره ۳۷-۳۸، ۱۳۸۴، ص ۳-۳۱.
۲۲. مؤدب، سیدرضا، تاریخ حدیث، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۸.
۲۳. مسلم، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۴. معارف، مجید، «وحی و رسالت نبوی»، مقالات و بررسیها، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۴۱-۶۲.
۲۵. مهریزی، مهدی، «دانش‌های حدیثی؛ گذشته، حال، آینده»، مجله علوم حدیث، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۹، ص ۲-۲۴.

26. Ansari, Zafar Ishaq, "The Authenticity of Traditions: A Critique of Joseph Schacht's Argument e silentio", *Hamdard Islamicus*, 1984.
27. Jane Dammen, McAuliffe, *Encyclopedia of Quran*, Brill, Leiden, 2001.
28. Robson, Jamse, *Encyclopaedia of Islam*, 2nd Edition, ed. B. Lewis et al., Leiden: Brill, 1986.
29. Juynboll, G.H.A., *Muslim Tradition, Studies in Chronology, Provenance and Authorship of Early Hadith*, Cambridge: Cambridge University Press, 1983.
30. -----, (1993), "Nāfi', the Mawlā of Ibn 'Umar, and His Position in Muslim Hadith Literature", *Der Islam*, 70.
31. -----, *Authenticity of the Tradition Literature: Discussions in Modern Egypt* Leiden/Boston: Brill, 1967.
32. -----, (1994), "Early Islamic Society as Reflected in Its Use of Isnāds", *Le Muséon*, 1994.
33. -----, "Raf", *Encyclopaedia of Islam*, 2nd Edition, ed. B. Lewis et al. (Leiden: Brill, 1960-2003), VIII, 384
34. -----, "Some Isnād-Analytical Methods Illustrated on the Basis of Several Women Demeaning Sayings from Hadith Literature", *Al-Qanṭara*, X, 1989.
35. -----, "Nāfi', the Mawlā of Ibn 'Umar, and His Position in Muslim Hadith Literature", *Der Islam*, 70, 1993.
36. -----, "Early Islamic Society as Reflected in Its Use of Isnāds", *Le Muséon*, 107, 1994.
37. -----, "(Re)appraisal of Some Technical Terms in Hadith Science", *Islamic Law and Society*, 8, 2001.
38. -----, *Encyclopedia of Canonical Hadith*, Leiden: Brill, 2007.
39. Schacht, Joseph, "A Revaluation of Islamic Tradition", *Journal of the Royal Asiatic Society*, 1949, p. 156-165.

40. -----, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, Oxford: Oxford University Press, 1950.

